



سویپر دیروز، سویپر- کیپر امروز

تولد دوباره یک پست در شمایل تازه

علی کامانگری

Ali Kamangari



«سویپر- کیپر». احتمالاً بسیاری از علاقه‌مندان دنیای فوتبال نخستین بار این کلمه دو قسمتی را بعد از دیدار آلمان و الجزایر در رقابت‌های جام جهانی ۲۰۱۴ شنیدند. دیداری که با برتری ۲بر۱ ژرمن‌ها در وقت‌های اضافه به پایان رسید و طی آن مانوئل نویر بارها و بارها با خروج‌های خود از دروازه، مانع از به وجود آمدن موقعیت تک به تک برای الجزایری‌ها شد. ممکن است از این گزاره برداشت کنید که مانوئل نویر اولین سویپر- کیپر تاریخ فوتبال بوده است اما حقیقت آن است که دروازه‌بانانی با سبک بازی مانوئل نویر دهه‌های قبل هم در جهان فوتبال حضور داشتند، تنها به نقش آنها نام «سویپر- کیپر» داده نشده بود. شواهد نشان می‌دهد که بازی‌های لئو ایوانویچ یاشین برای تیم ملی شوروی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، رگه‌هایی از سبک بازی نویر را در خود داشته است. همچنین در تیم مجارستان طلایی دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی که در آن بازیکنان آخرین خط دفاعی هم باید در بازسازی شرکت می‌کردند؛ جولا گرونیک به عنوان دروازه‌بان تیم، وظیفه پوشش فضای پشت مدافعان را عهده‌دار بوده است، کاری که امروزه از وظایف اصلی یک سویپر- کیپر به حساب می‌آید اما کلمه سویپر- کیپر دقیقاً از کجا منشأ می‌گیرد؟

این کلمه از دو بخش «Sweeper» و «Keeper» تشکیل شده است. تکلیف ما با بخش دوم کلمه، Keeper، روشن است. Keeper در زبان فارسی به معنای «نگه‌دارنده» است و بخش دوم کلمه «Goalkeeper» به معنای «دروازه‌بان» را هم تشکیل می‌دهد. علت قرارگرفتن این کلمه در کلمه «Sweeper-Keeper» اشاره به نقش دروازه‌بان در این پست دارد اما ماجرای کلمه اول چیست؟ کلمه «Sweeper»، اشاره به پستی در زمین فوتبال دارد که تا حدود سه دهه قبل در این ورزش رونق داشته است. سویپر به بازیکنی اطلاق می‌شد که پشت دفاع سه یا چهار نفره جای می‌گرفت و وظیفه پوشش این فضا را بر عهده داشت. او همچنین اغلب در هنگام حملات به خط هافبک اضافه می‌شد و در کار بازسازی به سایر هافبک‌ها کمک می‌کرد. بنابراین نیاز بود علاوه بر جنگندگی در کارهای دفاعی، بازیکنی پا به توپ با قابلیت ارسال پاس‌های دقیق هم باشد. سویپر‌ها در

زمان حضورشان در فوتبال، جزو مهم‌ترین بازیکنان این رشته محسوب می‌شدند و اغلب رهبران اصلی تیم‌هایشان هم بودند. از مهم‌ترین سویپرهای فوتبال دنیا می‌توان به برایان رابسون، رونالد کومان، فرانکو بارسى و کامل‌ترین سویپر تاریخ فوتبال، فرانکس بکن باوئر اشاره کرد.

بعد از موفقیت فوتبال دفاعی اینترمیلان تحت هدایت هلنیو هررا در دهه ۶۰ میلادی که به سبک «کاتناچیو» هم معروف شده بود، زمان فرا رسیدن و موفقیت یک سبک تهاجمی بود؛ «توتال فوتبال» رینوس میشل در باشگاه آژاکس آمستردام و تیم ملی هلند به رهبری مغز متفکر تیم، یوهان کرویف. با موفقیت تیم‌های میشل در دهه ۷۰ و در ادامه موفقیت آریگو ساچی در میلان اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ که به نظر تا حد زیادی از توتال فوتبال تیم‌های میشل پیروی می‌کرد، کم‌کم پست سویپر هم به دست فراموشی سپرده شد، زیرا تیم‌هایی با سبک بازی تهاجمی عمدتاً دفاع خود را متکی بر پرسینگ شدید گذاشته بودند و تمایل چندانی به عقب نشستن و پوشش فضاها نداشتند. همچنین این تیم‌های تهاجمی عمدتاً با توجه به پرسینگ شدید از جلوی زمینشان، مجبور بودند خط دفاعی خود را هم بالا قرار دهند تا مهاجمان حریف را در موقعیت آفساید قرار دهند و بدین طریق زمین بازی را هم برای حریفانشان کوچک کنند. حال آنکه حضور بازیکنی مثل سویپر که عادت داشت به هنگام دفاع عقب‌تر از سایر مدافعان بایستد، در تضاد با اهداف دفاعی این تیم‌های تهاجمی بود. این روند تقریباً تا سال ۲۰۰۸ و زمان آغاز فعالیت پپ گواردیولا در باشگاه بارسلونا ادامه داشت اما با اضافه شدن تنوریسین اسپانیایی به جمع کاتالان‌ها، واژه سویپر بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد؛ این بار اما نه به تنهایی، بلکه به همراه کلمه کیپر.

گواردیولا اعتقاد داشت تمامی بازیکنان تیم -از جمله دروازه‌بان- باید در کار حمله دخالت داشته باشند. بنابراین، دروازه‌بان تیم او باید بازی با پای خوبی داشته باشد تا بتواند به ساخت بازی تیم‌هایش از عقب زمین کمک کند. این امر در نهایت باعث می‌شد اگر تیمی با دو مهاجم، دو مدافع میانی شما را پرس می‌کرد و هافبک‌های آن تیم هم هافبک‌های تیم شما را «Mark» کرده بودند، دروازه‌بان تیم شما می‌توانست با یک پاس چیپ، مدافعان کناری که اغلب آزاد گذاشته می‌شدند

را صاحب توپ کند و این گونه پرس تیم حریف شکسته شود. ویکتور والدز در باشگاه بارسلونا تا حد زیادی از عهده این کار بر می‌آمد و پپ گواردیولا بارها و بارها از نقش والدز در طراحی حملات تیمش در کنفرانس‌های مطبوعاتی حرف زد و این دروازه‌بان اسپانیایی را مورد ستایش قرار داد.

با این حال وظایف والدز در بارسلونای پپ بیشتر محدود به کارهای بازسازی یک سویپر می‌شد و نقش‌های تدافعی سویپر، که شامل جمع کردن فضای پشت مدافعان بود، چندان در بازی والدز دیده نمی‌شد. با اضافه شدن پپ گواردیولا به باشگاه بایرن مونیخ در سال ۲۰۱۳ و حضور دروازه‌بان چالاک و باهوشی مثل مانوئل نویر در این تیم، مفهوم سویپر- کیپر معنای بیشتری یافت. گواردیولا دریافته بود که حضور دائمی مدافعان کناری او در کارهای تدافعی و بالا قرار گرفتن خط دفاعی او، فضای بسیار زیادی را پشت مدافعانش ایجاد می‌کند، بنابراین تصمیم گرفت وظیفه جدیدی را به دروازه‌بان خود محول کند؛ خروج از دروازه و پوشش فضای پشت مدافعان. نقشی که انگار برای دروازه‌بانی مثل نویر ساخته شده بود. نویر که پیش‌تر و در باشگاه شالکه هم نشان داده بود بازی با پای بسیاری خوبی دارد و از هوش بالایش می‌تواند برای بازی‌خوانی حریفان استفاده کند، حال می‌توانست زیر نظر مربی کار کند که به این دویژگی نویر در کنار سرعت بالای او نیاز مبرم داشت. در نتیجه نویر تبدیل به یکی از نفرات اصلی تیم بایرن به هنگام ساخت بازی از عقب زمین شد که حتی می‌توانست تحت فشار مهاجمان حریف هم پاس سالم بدهد و به هنگام دفاع هم فضای پشت سر مدافعان را جمع کند. البته نویر همواره هم بی‌نقص نبود و گهگاهی با افراط در خروج از دروازه، باعث به وجود آمدن موقعیت‌های بسیار خطرناک برای تیم حریف و حتی در مواردی گل‌زنی آنها به دروازه خالی‌اش می‌شد. یکی از موارد معروف این قضیه به گل زیبای دژان استنکوویچ در تیم اینترمیلان به تیم شالکه در رقابت‌های لیگ قهرمانان اروپا برمی‌گردد. استبان کامپاسو یک پاس پشت مدافعان را برای دیه‌گو میلیتو ارسال می‌کند اما نویر با شجاعت قبل از میلیتو توپ را با یک ضربه سر محکم قطع می‌کند. استنکوویچ هم همان توپ را روی هوا، با یک ضربه والی از ناحیه‌ای نزدیک میانه میدان، به درون دروازه نویر می‌فرستد. با این حال مزایای سبک

بازی مانو برای پپ گواردیولا در بایرن و یواخیم لو در تیم ملی آلمان، آنقدر زیاد بود که این دو ترجیح می‌دادند ریسک این سبک بازی را به جان بخرند.

عملکرد تحسین‌برانگیز نویر در نقش سویپر- کیپر نه تنها باعث ادامه دادن این نقش توسط او زیر نظر مربیان بعدی بایرن شد، بلکه باعث فراگیر شدن این نقش در دنیای فوتبال هم شد و کار را به جایی رساند که این روزها بازی با پای ضعیف دروازه‌بان‌ها و عدم توانایی آنها برای خروج به موقع از دروازه و پوشش فضای پشت مدافعان، نقطه ضعفی بزرگ برایشان محسوب می‌شود. به طور مثال پپ گواردیولا، کلودیو براوو را به همین دلیل از باشگاه منچسترسییتی کنار گذاشت. در حال حاضر مارک- آندره تراشتگن در بارسلونا، ادرسون مورائس در منچسترسییتی، کوین تراپ در آینتراخت فرانکفورت و امیلیانو مارتینز در آرسنال، از چهره‌هایی‌اند که نقش سویپر- کیپر را در تیم‌هایشان بازی می‌کنند اما هنوز فاصله قابل ملاحظه‌ای با عملکرد مانوئل نویر در این نقش دارند. آنچه نویر و امثال او در تیم‌هایشان انجام می‌دهند، باعث می‌شود تا مربیان این تیم‌ها خط دفاعی تیم‌هایشان را با خیال راحت‌تری در بالای زمین قرار دهند. در هنگام ساخت بازی از عقب زمین هم حضور یک دروازه‌بان با بازی با پای خوب باعث می‌شود دیگر نیازی به حضور یکی از هافبک‌های دفاعی تیمتان در میان دو یا سه مدافع مرکزی برای ایجاد برتری عددی مقابل مهاجمان پرس‌کننده تیم حریف نباشد، در نتیجه شما با نفرات بیشتری در میانه میدان حاضر خواهید بود و اتصال بین خط دفاع و حمله‌تان با ضربه‌هنگ بهتر صورت می‌گیرد.

به واقع در یک دهه اخیر بار دیگر نقش سویپر به فوتبال روز دنیا بازگردانده شده است، با این تفاوت که این نقش به جای یک مدافع پا به توپ، توسط یک دروازه‌بان ایفا می‌شود. در هفته‌های گذشته پیرامون استفاده از یک عرض پنج نفره در حملات توسط مربیان پیشروی دنیای فوتبال صحبت کردیم و گفتیم که ریشه استفاده از این روش به دهه‌های قبل برمی‌گردد. حال اتفاقی تقریباً مشابه در مورد پست سویپر سابق و سویپر- کیپر امروزی هم افتاده است. آری، قصه تغییرات فوتبال مدرن را می‌توان در این ضرب‌المثل انگلیسی خلاصه کرد: «هر چه مسائل بیشتر تغییر می‌کنند، بیشتر ثابت می‌مانند!»